

تاریخ ایران پس از اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ همو مقدمه بر حدائق السحر (نک: هـ، رشید و طراط)؛ تاج الحلاوی، علی، دقایق الشعر، به کوشش محمد کاظم امام، تهران، ۱۳۳۱ ش؛ تاریخ سیستان، به کوشش محدثی بهار، تهران، ۱۳۱۴ ش؛ فتاوانی، مسعود، شرح المختصر، قم، کتابفروشی کبکی نجفی، هـ، المطول، قم، مکتبه الداوری؛ تقوی، نصرالله، هنجار گفتار، تهران، ۱۳۱۷ ش؛ جامی، عبدالرحمان، دیوان، به کوشش اعلاخان افصح زاد، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ جرجانی، عبدالقاهر، اسرار البلاغه، به کوشش محمد اسکندروانی و م. مسعود، بیروت، ۱۹۹۶ م؛ حافظ، دیوان، به کوشش پرویز نائل خانلری، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ حق شناس، علی محمد، «نظم، تر و شعر؛ سه گونه ادب»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان شناسی نظری و کاربردی، به کوشش علی میرعمادی، تهران، ۱۳۷۳ ش؛ خاقانی شروانی، دیوان، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ خطیب قزوینی، محمد، الايضاح فی علوم البلاغه، بیروت، ۱۴۰۵ ق/۱۹۸۵ م؛ رادویانی، محمد، ترجمان البلاغه، به کوشش احمد آتش، استانبول، ۱۹۲۹ م؛ رامی تبریزی، حسن، حدائق السحر فی دقایق الشعر، به کوشش محمدکاظم امام، تهران، ۱۳۴۱ ش؛ رجایی، محمد خلیل، معالم البلاغه، شیراز، ۱۳۵۹ ش؛ رشید و طواط، محمد، حدائق السحر فی دقایق الشعر، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۰۸ ش؛ ریاحی، محمدامین، کسای مروزی، زندگی، اندیشه و شعر او، تهران، ۱۳۶۷ ش؛ زرین کوب، عبدالحسین، دو قرن سکوت، تهران، ۱۳۷۸ ش؛ سکاکی، یوسف، مفتاح العلوم، به کوشش نسیم زوزدر، بیروت، ۱۴۰۳ ق/۱۹۸۳ م؛ شیعی کدکنی، محمدرضا، صورخیال در شعر فارسی، تهران، ۱۳۶۶ ش؛ شمس قیس رازی، محمد، المعجم، به کوشش محمد قزوینی و محدثی مدرس رضوی، تهران، ۱۳۲۷ ق؛ شمس، سیروس، بیان، تهران، ۱۳۷۹ ش؛ همو، بیان و معانی، تهران، ۱۳۷۶ ش؛ صادقیان، محمدعلی، «سهم ایرانیان در تدوین و تکمیل علوم بلاغی»، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس تحقیقات ایرانی در زمینه ادب و فرهنگ ایران، به کوشش محمدعلی صادقیان، دانشگاه شیراز، ج ۱، صفوی، کورش، از زبان شناسی به ادبیات، تهران، ۱۳۸۰ ش؛ فقیر دهلوی، میرشمس الدین، حدائق البلاغه، لکهنو، ۱۸۷۲ م؛ کاشفی، حسین، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، به کوشش جلال الدین کزازی، تهران، ۱۳۶۹ ش؛ کزازی، جلال الدین، مقدمه بر بدایع الافکار فی صنایع الاشعار (نک: هـ، کاشفی)؛ کسای مروزی، «اشعار» (نک: هـ، ریاحی)؛ گرکانی، محمدحسین، ابدع البلیغ، به کوشش حسین جعفری، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ مازندرانی، محمدهادی، انوارالبلاغه، به کوشش محمدعلی غلامی نژاد، تهران، ۱۳۷۵ ش؛ محمدی ملابری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش؛ معزی، نجفعلی، دره نجفی، به کوشش حسین آهی، تهران، ۱۳۵۵ ش؛ نشاط، محمود، زب سخن، تهران، ۱۳۲۲ ش؛ هدایت، رضاقلی، مدارج البلاغه، به کوشش حسین معرفت، شیراز، ۱۳۳۱ ق؛ همای، جلال الدین، قنن بلاغت و صناعات ادبی، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ همو، معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانوهمایی، تهران، ۱۳۷۰ ش.

بیان الادیان، نک: ابوالمعالی، محمد.

بیان بن ستمان تمیمی نهدی (د ۱۱۹ ق/۷۳۷ م)، از غلات کیسانی که فرقه بیانیه به او منسوب است.

بیان بن ستمان - که گاه در برخی منابع بر اثر تصحیف به اشتباه «بنان» خوانده شده (نک: کشی، ۳۰۱، ۳۰۴؛ فخرالدین، ۵۷، ۶۳؛ تستری، ۴۰۰/۲-۴۰۵، نیز نک: ۴۱۴، که خطای خود را استدراک کرده است) - در کوفه می زیسته است (نویختی، ۲۵؛ مقدسی، ۱۳۰/۵). از لقب وی «بنان»، پیداست که ظاهراً آگاه فروش بوده است (نویختی، همانجا؛ قاضی نعمان، ۲۲۹). در زمره گروههای فعال در منطقه عراق در دو دهه نخست قرن دوم هجری و در سالهای پس از مرگ ابوهاشم

عبدالله بن محمدبن حنفیه (هـ)، بیان از نظریه پردازانی بود که با ایجاد اشعاب در کیسانیه و با ادعاهایی گزاف - از امامت تا الوهیت - پیروانی را گرد آورد که بیانیه نامیده می شوند. باورها و اندیشه های او، اگر چه به تداوم کیسانیه کمکی نکرد، اما زمینه ساز رواج و رشد برخی فرقه های شیعی و مکتبهای فکری پس از وی از جمله غلات و مشبّه گردید.

بیان در ۱۱۹ ق، همراه با یکی دیگر از غالیان به نام مغیره بن سعید، به دست حاکم وقت کوفه، خالد بن عبدالله قسری به سبب ادعاهای گزاف و یا قیام بر ضد حکومت، به همراه جمعی دیگر دستگیر و کشته شد (نویختی، همانجا؛ طبری، ۱۲۸۷-۱۳۰؛ ابن اثیر، ۲۰۷/۵-۲۰۹؛ صفدی، ۳۲۷/۱۰؛ مقدسی، همانجا). درباره چگونگی و زمان دستگیری و اعدام وی، روایتهای متفاوتی وجود دارد (نک: بلاذری، ۳۰۷/۳، ۷۶/۹؛ ابوالفرج، ۱۲۱/۱۵؛ المیون، ۲۳۰-۲۳۱؛ ابوحیان، ۱۶۷/۳؛ ابن حزم، ۲۴/۵) که نمی توان در مورد آنها با قاطعیت اظهار نظر کرد، اما دست کم شعارهای قیام بر ضد حکومت را نمی توان در این گزارشها چندان جدی تلقی نمود، چرا که شمار همراهان بیان در این جنبش، برای علنی ساختن یک قیام کافی نبود. از این گذشته، هیچ گزارشی از درگیری میان ایشان و مأموران حکومت وجود ندارد. همچنین گزارشهای فرقه نویسان شیعی، همچون نویختی و اشعری قمی به وقوع قیام مشترک بیان و مغیره، و کشته شدن آنها در یک روز، هیچ اشاره ای ندارد (نک: نویختی، همانجا؛ سعدبن عبدالله، ۳۳؛ تبصره، ۱۶۹-۱۷۰؛ نیز نک: بلاذری، ۳۰۷/۳؛ عبدالعال، ۳۴-۳۵، که تاریخ قتل بیان را پیش از مغیره تخمین زده است).

به گزارش بسیاری از منابع، بیانیه به انتقال امامت از محمدبن حنفیه به فرزندش، ابوهاشم عبدالله و از ابوهاشم به بیان بن ستمان باور داشتند (اشعری، ۶۷؛ بغدادی، الفرق، ۲۳۶-۲۳۷؛ سعدبن عبدالله، ۳۵؛ شهرستانی، ۲۴۶/۱؛ اسفراینی، ۳۲؛ ابن تیمیه، ۴۷۹/۳)، اما در عین حال معتقد بودند که این امامت در جانشینان محمدبن حنفیه، نوعی استخلاف و جانشینی در زمان حیات است - چنان که پیامبر (ص) در زمان حیات خود، هنگامی که به قصد جنگ از مدینه خارج می شد، کسانی را به عنوان جانشینی خود منصوب می کرد - و امامت در اعقاب شخص وصی تداوم نخواهد یافت و با مرگ او امامت به اصل خود، یعنی محمدبن حنفیه باز می گردد و او در آینده به عنوان مهدی ظهور خواهد کرد (اشعری، ۹۵؛ سعدبن عبدالله، ۳۴؛ نشوان حمیری، ۱۶۱؛ قاضی عبدالجبار، ۲۰ (۲) ۱۷۸). همچنین به روایت برخی از منابع (نویختی، ۳۰؛ سعدبن عبدالله، ۲۷)، گروهی از بیانیه ابوهاشم را به عنوان مهدی می دانسته اند. به گمان برخی (بغدادی، الملل، ۵۳ - ۵۴)، از دیدگاه بیانیه درباره امامت، چنین بر می آید که آنان امامت را از اهل بیت (ع) خارج ساخته اند، اگر چه به استناد نظریه استخلاف که پیش تر توضیح داده شد، می توان درباره صحت این ادعا درنگ کرد.

بیان به ادعای امامت بسنده نکرد و پس از مرگ ابوهاشم، دعوی

که خود از غالیان شیعی و مورد طعن و تکذیب امامان شیعه بود و جامعه شیعیان از وی برائت می‌جست. وی که از پیروان کربیه و از اهالی مدینه بود، از ایشان جدا شد و ادعای الوهیت محمد بن حنفیه و امامت و پیامبری خود را مطرح ساخت و به اباحت و محرمات و ارتکاب معاصی و گسترش اندیشه‌های غلوآمیز پرداخت. بیان بن سمعان که خود زمینه‌های گرایش به غالیان را داشت، سرشناس‌ترین فرد در خلقة پیروان حمزه بن عماره بود و با توجه به اینکه تاریخ حرکت و مواضع انشعابی حمزه، در سالهای پایانی قرن اول و چندی قبل از وفات ابوهاشم تخمین زده می‌شود (نک: قاضی، ۲۰۶)، می‌توان بیان را سرآمد غلات منشعب از کیسانیه، و بیانیه را از نخستین فرقه‌های غالیان در کوفه دانست (نک: شیبی، ۱۳۴).

گفته‌اند که بیان به الوهیت علی (ع) باور داشت و معتقد بود که جزئی الاهی در وی حلول کرد و با جسد او یکی شد و آن حضرت به باری آن جزء الاهی بود که از غیب خبر می‌داد، یا بر کفار پیروز می‌شد و یا توانست در خیبر را از جایش بکند (شهرستانی، ۲۴۶/۱؛ ذهبی، همانجا؛ ابن حجر، ۶۹/۲؛ صفدی، همانجا). بیان معتقد بود که ممکن است امام علی (ع)، در برخی زمانها ظاهر شود و منظور از آیه شریفه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ» (بقره/۲۱۰) علی (ع) است و اوست که در سایه ابرها می‌آید و رعد صدای او، و برق تبسم اوست (شهرستانی، همانجا؛ کشی، ۳۲۴-۳۲۵). نیز در تأویل آیه شریفه «هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ» (زخرف/۸۴) به دوگانگی الوهیت در آسمان و زمین قائل بوده است و اینکه امامان، در واقع الاه زمین‌اند (کشی، ۳۰۴، ۳۲۴-۳۲۵). به نظر می‌رسد که در دو مورد اخیر، یعنی تأویل آیات میان باورهای بیان و برخی از غالیان پس از وی، خلط شده باشد، چرا که در گزارشهای کشی، بیان در طبقه اصحاب و معاصران امام صادق (ع) جای گرفته است که با سال درگذشت او (۱۱۹ ق) مطابقت ندارد. همچنین به گزارش برخی منابع، بیانیه به معنایی غیر از ظاهر لفظ برای قرآن قائل نبوده، و منکر هر گونه تأویل بوده‌اند (نک: ابوتمام، ۶۷)، از این رو، نمی‌توان تأویل آیات مذکور را به بیان منتسب دانست.

بنابر روایتی، بیان به الوهیت امام علی (ع) و پس از او امام حسن و امام حسین (ع) و محمد بن حنفیه و سپس ابوهاشم معتقد بود و اینکه روح الاهی به شیوه‌ای تناسخ‌گونه در پیامبران و امامان منتقل گردیده، تا به ابوهاشم، رسیده، و از ابوهاشم به وی منتقل شده است (بغدادی، همان، ۴۰، ۲۳۶-۲۳۷؛ مقریزی، ۲۵۲/۲؛ تبصرة، همانجا؛ سماعی، ۴۲۷/۱؛ اسفراینی، ۱۲۴؛ ابن اثیر، صفدی، همانجاها). بنابر این، بیانیه از این دیدگاه در زمره حلولیه جای می‌گیرند (سماعی، ۲۴۹/۲؛ بغدادی، همان، ۲۵۵، ۲۷۲) و از جهتی جزء نخستین فرق اسلامی‌اند که باور به تناسخ، به شکلی در یافت اعتقادی ایشان جای گرفته است (نک: مقدسی، ۱۳۰/۵؛ بغدادی، الملل، ۱۱۷). همچنین بیان معتقد بود که اسم اعظم را می‌داند و به واسطه آن، با ستاره زهره سخن می‌گوید (ابوتمام،

نبوت کرد و با غلو درباره شخصیت ابوهاشم، مدعی شد که وی بیان را پیامبر قرار داد و گفت که منظور از آیه شریفه «هَذَا بَيَانٌ لِلْقَاسِي» (آل عمران/۱۳۸) نیز خود اوست (نویختی، ۳۰-۳۱؛ سعد بن عبدالله، همانجا؛ قاضی نعمان، ۲۳۰؛ ابوحاتم، ۲۹۷؛ بغدادی، الفرق، ۲۳۷؛ ابن اثیر، ۲۰۹/۵؛ تبصرة، ۱۶۹).

ادعاهای گزاف وی بدانجا رسید که نامه‌ای به امام محمد باقر (ع) نوشت و آن حضرت را به اقرار به نبوت خود فراخواند (نویختی، سعد بن عبدالله، ابوحاتم، قاضی نعمان، صفدی، همانجاها؛ شهرستانی، ۲۴۶/۱-۲۴۷؛ ذهبی، ۲۳۰). گفتنی است که بیان به همراه جمعی دیگر از غالیان معروف، همواره مطرود و مورد تکذیب امامیه و امامان شیعه بوده است (نک: کشی، ۲۹۰-۲۹۱، ۳۰۱-۳۰۵). از این گذشته بنا بر گزارشهای، میان وی و یاران امام باقر (ع) روابط دوستانه‌ای برقرار نبوده است و او به اتفاق مغیره بن سعید، یاران حضرت را تکفیر می‌کرده‌اند (بلاذری، همانجا؛ العیون، ۲۳۰). بنابر این، به گزارش نویختی (ص ۲۵) و سعد بن عبدالله اشعری (ص ۲۳)، دال بر اینکه بیان زمانی مدعی جانشینی امام محمد باقر (ع) بوده است، نمی‌توان چندان اعتماد کرد و به‌رغم نظر برخی از محققان (وات، ۵۱)، صحیح‌تر آن است که بگوییم در این مورد میان بیان بن سمعان و مغیره بن سعید خلط شده است و به علت یکی بودن زمان و مکان و اعتقادات مشترک آن دو، ادعاهای یکی را به دیگری نسبت داده‌اند (نک: قاضی، ۲۴۷؛ عبدالعال، ۳۵-۳۶).

به گزارش ابن قتیبه (۶۵/۲)، بیان بن سمعان نخستین کسی است که نظریه خلق قرآن را مطرح کرده، و بدان باور داشته است (نیز نک: احمد ابن ابراهیم، ۵۶/۱)، اما چنان‌که برخی از محققان اظهار داشته‌اند، در گزارش مذکور، میان بیان و جعد بن درهم (ه م) که وی نیز به دست خالد بن عبدالله قسری کشته شد، خلط شده است (نک: مادلونگ، ۵۰۵). بیانیه تنها به این دلیل یکی از فرق کیسانی به شمار می‌آیند که بیان بن سمعان در رقابت با دیگر گروههای کیسانی، مدعی جانشینی ابوهاشم بوده است. اما صرف نظر از این نکته، باورهای فرقه بیانیه، دربرگیرنده طیفی از اندیشه‌های غالیانه و ادعاهای گزاف است - فارغ از انگیزه‌های سیاسی و مبارزه طلبی نهفته در آن - که از این جهت، در زمره یکی از گروههای مهم غلات شیعی جای می‌گیرد (اشعری، ۶۶؛ بغدادی، همان، ۲۳؛ قاضی، ۲۳۸-۲۳۹). نویختی (ص ۳۲) که از قدیم‌ترین و معتبرترین منابع در شناساندن فرقه‌ها و جریانهای داخلی شیعه به شمار می‌آید، پس از ذکر فرقه‌های کیسانیه و برخی انشعابهای آن، همچون عباسیه و حارثیه، اظهار می‌دارد که نخستین جریانهای فکری غالیان، از درون همین فرقه‌ها بیرون آمده است. سعد بن عبدالله اشعری (ص ۵۵-۵۶) نیز بیانیه را در زمره گروههای پیشگام و پیشین غلات شمرده است.

بیان به گزارش منابع شیعی (نویختی، ۲۵؛ سعد بن عبدالله، ۳۲-۳۴)، نخست تحت تأثیر شخصی به نام حمزه بن عماره بربری قرار گرفت

۶۸؛ بغدادی، الفرق، ۲۳۷؛ اشعری، همانجا؛ نشوان حمیری، ۱۶۱؛ ابن تیمیه، ۵۰۲/۲). ناگفته پیداست که بسیاری از این ادعاها و باورها که بیش از همه در میان فرقه‌های غالی رواج داشته، و متأثر از اندیشه‌های گنوسی‌بازمانده از دیرباز در منطقه بین‌النهرین و عراق بوده، دست‌مایه‌ای برای یافتن پیروان بیشتر بوده است (نک: عبدالعال، ۳۴).

به گزارش بسیاری از منابع، بیان بن سمان در امر توحید، در زمره مشبهه بوده، و می‌پنداشته است که خداوند به انسان شباهت دارد و همچون او دارای اعضا و جوارح است و به استناد آیه «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص/۸۸)، تمامی اعضای او به جز وجه، دستخوش فناونستی خواهد شد (سعد بن عبدالله، ۳۷-۳۸؛ اشعری، همانجا؛ ابوتمام، ۶۷؛ بغدادی، همان، ۲۲۶، ۲۲۷). همچنین بیانیه در معنای آیه شریفه «كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام/۱۶۴) معتقد بودند که خداوند بر جمیع اعضا و جوارح خود کلمه «رحیم» را نوشته است.

برخی دانشمندان مسلمان (نک: بغدادی، همان، ۲۲۵-۲۲۶؛ فخرالدین، ۶۳) غالبان شیعه، به‌ویژه بیان بن سمان را نخستین معتقدان به تشبیه و تجسیم در اسلام دانسته‌اند و برخی در تبیین علت آن گفته‌اند که اعتقاد به الوهیت انسان، زمینه‌ساز باین آوردن مقام الاهی و نزدیک ساختن آن به جایگاه انسان، یعنی تشبیه و تجسیم است (شیبی، ۱۳۴-۱۳۵). هالم بازتاب اندیشه‌های گنوسی بیان و باورهای او در تشبیه را در غلات پس از وی همچون مخمسه و در برخی متون گنوسی همچون ام

الکتاب، بررسی کرده است (ص ۶۴-۶۲).

گفتنی است ابوتمام نویسنده اسماعیلی، نظریه‌ای فقهی، درباره وضو با استناد به آیه شریفه «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ» (مائده/۶۵) به بیانیه نسبت داده است، بدین شرح که به دلیل ظاهر آیه، هر کس به نماز برخیزد، باید که وضو سازد، حتی اگر پیش از آن وضو داشته باشد (ص ۶۸).

مآخذ: ابن اثیر، الکامل، ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویه، به کوشش محمد رشاد سالم، ریاض، ۱۴۰۶/ق ۱۹۸۶م؛ ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹-۱۳۳۱ق؛ ابن حزم، علی، الفصل، به کوشش محمد ابراهیم نصر و عبدالرحمان عمیره، جدو، ۱۴۰۲/ق ۱۹۸۲م؛ ابن قتیبه، عبدالله، عیون الاخبار، به کوشش یوسف علی طویل، بیروت، ۱۹۷۷م؛ ابوتمام خراسانی، باب الشیطان من کتاب الشجرة، به کوشش و. مادلونگ و ب. واکر، لیدن، ۱۹۹۸م؛ ابوحاتم رازی، احمد، بخشی از «الزینة»، همراه الفلور و الفرق الغالیة عبدالله سلوم سامرای، بغداد، ۱۳۹۲ق؛ ۱۹۷۲م، ج ۳؛ ابوحیان توحیدی، الامتاع والمؤانسة، به کوشش احمد امین و احمد زین، قاهره، ۱۳۵۸/ق ۱۹۳۹م؛ ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، به کوشش صلاح یوسف خلیل، بیروت، ۱۳۹۰/ق ۱۹۷۰م؛ احمد بن ابراهیم بن عیسی، توضیح المقاصد و تصحیح التواعد، به کوشش زهیر شاولی، بیروت، ۱۴۰۶ق؛ اسفرائینی، شاهنور، التبصیر فی الدین، به کوشش کمال یوسف حوت، بیروت، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳م؛ اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۴۰۵/ق ۱۹۸۵م؛ بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۴۰۸/ق ۱۹۸۸م؛ همو، الملل و النحل، به کوشش البیرنصری نادر، بیروت، ۱۹۷۰م؛ بلاذری، احمد، انساب الاشراف، به کوشش سهیل زکار و ریاض زوکل، بیروت،

۱۴۱۷/ق ۱۹۹۶م؛ تبصرة العوام، منسوب به مرتضی بن داعی حسنی رازی، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۶۴ش؛ تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، ۱۴۱۰ق؛ ذهبی، محمد، تاریخ الاسلام (حوادث ۱۰۱-۱۲۰ق)، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۲۰/ق ۱۹۹۰م؛ سعد بن عبدالله اشعری، المقالات و الفرق، به کوشش محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۶۱ش؛ سمانی، عبدالکریم، الانساب، به کوشش عبدالله عمر بارودی، بیروت، ۱۴۰۸/ق ۱۹۸۸م؛ شهرستانی، محمد، الملل و النحل، به کوشش احمد فهمی محمد، قاهره، ۱۳۶۸/ق ۱۹۴۸م؛ شیعی، کامل، مقطعون، الصلة بین التصوف و التشیع، بیروت، ۱۴۰۲/ق ۱۹۸۲م؛ صفدی، خلیل، الروانی بالوفیات، به کوشش ژاکلین سوبله و علی عماره، ویسبادن، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱م؛ طبری، تاریخ، عبدالعال، محمد جابر، حرکات الشيعة السطرفین، قاهره، ۱۳۷۳ق/۱۹۵۴م؛ العیون و الحدائق، بغداد، مکیة المثنی؛ فخرالدین رازی، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، به کوشش علی سامی نشار، قاهره، ۱۳۵۶/ق ۱۹۳۸م؛ قاضی، وداد، الکیانیه فی التاریخ و الادب، بیروت، ۱۹۷۲م؛ قاضی عبدالجبار، المغنی، به کوشش عبدالحمید محمود و دیگران، قاهره، ۱۳۸۵/ق ۱۹۶۵م؛ قاضی نعمان، الارجوزة السخاوة، به کوشش اسماعیل قریان حسین یونانوالا، مونترآل، ۱۹۷۰م؛ قرآن کریم؛ کنزی، محمد، معرفة الرجال، اختیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش؛ مقدسی، مطهر، البدء و التاریخ، به کوشش کلمان هوار، پاریس، ۱۹۱۶م؛ مریزی، احمد، الخطوط، بولاق، ۱۳۱۲ق؛ نشوان حمیری، الحور العین، به کوشش کمال مصطفی، قاهره، ۱۳۶۷/ق ۱۹۴۸م؛ نویختی، حسن، فرق الشيعة، به کوشش هلموت ریتز، استانبول، ۱۹۳۱م؛ نیز:

Halm, H., Die islamische Gnosis, Zurich, 1982; Madelung, W., Religious Schools and Sects in Medieval Islam, London, 1985; Watt, W.M., The Formative Period of Islamic Thought, Edinburgh, 1973.

مسعود حبیبی مظاهری

الْبَيَانُ وَالتَّبَيُّنُ، نک: جاحظ.

بیتانه، در اسپانیایی: بانئا، شهری کوچک در استان قرطبه اسپانیا. این شهر با ۱۸'۴۰۰ تن جمعیت (۱۳۸۳ش/۲۰۰۴م) در ۳۷ و ۳۷ عرض شمالی و ۴ و ۱۹ طول غربی در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر کوردوبا واقع است («آندالوسیا»، بانئا؛ «فرهنگ...»؛ «اطلس...»)، فهرست، ۱۲). بیانه بر روی تپه‌ای بنا شده است و یکی از ریزابه‌های رودخانه گواداخوز از کنار آن می‌گذرد. پیرامون این شهر را باغها و درختان زیتون فراگرفته، و روغن زیتون آن از مرغوبیت بسیاری برخوردار است («آندالوسیا»، بانئا؛ «خانه بانئا»).

پیشینه تاریخی: هرچند از دوره پیش از اسلام آثاری در این شهر و حومه آن تا نواحی مجاور آنتیگو یافت نشده است (BI²)، اما یافته‌های باستان‌شناسی پیشینه تاریخی منطقه‌ای را که بیانه در آن واقع است، به دوره پیش از تاریخ می‌رساند («خانه بانئا»). با این همه، آگاهی‌های ما از تاریخ بیانه به عنوان یک شهر به دوره اسلامی بازمی‌گردد، در ۹۲/ق ۷۱۱م به روزگار ولید بن عبدالملک خلیفه اموی (حک ۸۶-۹۶ق) شهرهای اندلس از جنوب تا شمال، در مدت یک سال به تصرف سپاهیان اموی درآمد (نک: ه. د. اندلس)، در سده ۵ق بیانه از شهرهای کوره‌قبره^۵ بوده است (ابن حیان، ج مادرید، ۲۸۵/۵) و در سده ۶ق به همراه شهرهای قبره، قرطبه، الزهراء، استجه^۶ و البشانه^۷، اقلیم

1. «Andalucia»
7. Lucana

2. The World ...

3. Britannica...

4. «Casa de Baena»

5. Cabra

6. Ecija